

جهانی شدن پنتکاستالیسم و پیامدهای سیاسی آن

دکتر کاووس سیدامامی*

در پی پاسخ دادن به آن است. پس از برشمردن ویژگیهای این جنبش مذهبی و برخی از مهمترین باورها و آیینهای دینی پیروانش، به علل افزایش پرستاب آنان در بسیاری از نقاط جهان خواهیم پرداخت. همچنین تلاش خواهد شد که نقش سیاسی آنان در کشورهایی که در آن حضور فعال دارند بررسی شود.

پیش از هر چیز باید جایگاه مفهوم پنتکاستالیسم را در مجموعه پرستانتیسم محافظه کار یا به گفته‌ای اونجلیست روشن کرد. با وجود مشترکات بسیار میان پنتکاستالیست‌ها و «بنیادگرایان» پرستان، این دو مسلک اصرار دارند خود را از یکدیگر جدا نگهدارند، و در مواردی حتی روابطی تنش آلود میان آنها دیده می‌شود. به همین سان، باید وجوه تمایز میان گروه‌هایی که خود را تنها اونجلیست می‌نامند با دو مفهوم دیگر یعنی بنیادگرایی و پنتکاستالیسم روشن کرد.

بر سر هم، هر یک از گروه‌های مذهبی در شکل امروزی‌شان خود را با نامی ویژه (با وجود تنوع درونی) معرفی می‌کند. برای نمونه، جری فالول (Jerry Falwel) و رندال تری (Randall Terry) خود را بنیادگرا، بیلی

کسانی که با بازار دینی در آمریکا آشنا هستند می‌دانند که بیش از سه دهه است که پرستان‌های محافظه کار از دید کمی و کیفی پایگاه خود را در جامعه آمریکا سخت گسترش داده‌اند، به گونه‌ای که هم‌اکنون نزدیک به یک چهارم جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند. تنها در دو دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ کلیساهای انجیلی آمریکا ۶ میلیون عضو تازه پذیرفتند در حالی که کلیساهای پرستانی لیبرال کمابیش ۲۶۰۰۰۰ تن را در این دو دهه از دست دادند. در میان پرستان‌های محافظه کار، تشکلهایی که خود را پنتکاستال می‌دانند بسی بیش از دیگران رو به رشد بوده‌اند، و در تبلیغ مسیحیت پرستانی در بیرون از مرزهای آمریکا نیز بیشترین موفقیت را داشته‌اند. هم‌اکنون پنتکاستالیست‌ها در جهان مسیحیت بیش از همه کلیساهای غیر کاتولیک عضو دارند (Hollenweger, 2004).

پنتکاستالیست‌ها کیستند و چرا چنین پرستاب نه تنها در ایالات متحده آمریکا بلکه در بسیاری از کشورهای جهان در آسیای شرقی، آمریکای لاتین، آفریقا و حتی اروپا، رو به گسترش‌اند؟ این پرسشی است که مقاله حاضر

شده است. اما پنتکاستالیست‌ها معتقدند که خداوند هنوز فرمانهای خود را با رسولان (و روح القدس) فرو می‌فرستد. بنیادگرایان این را در تقابل با اقتدار مطلق کتب مقدس می‌دانند. به گفته وودبری و اسمیت (۱۹۹۸)، بنیادگرایان بر آموزه‌ها انگشت می‌گذارند و پنتکاستالیست‌ها بر تجربه.

در بُعد آیینی، پنتکاستالیست‌ها افزون بر جلسات وعظ، انواع مراسم و آیین‌های ویژه خود را دارند که البته پاره‌ای از آنها تنها در برخی فرقه‌های پنتکاستالی دیده می‌شود و پاره‌ای نیز منسوخ شده است (مانند در دست گرفتن مار "snake handling" در مراسم مذهبی). آنان در مقایسه با انجیلی‌ها و بنیادگرایان وزن بیشتری به پیشگویی (prophecy) و یافتن نشانه‌های پدیدار شدن مسیح، ایمان درمانی (faith healing)، کاریزمای رهبران مذهبی و نقش موهبت‌های الهی (spiritual gifts) می‌دهند (Marty and Appleby, 1994). آیین‌های پرشوری که در آنها سرودخوانی و موسیقی و تکرار موزون وجود دارد و دست آخر به ظهور روح القدس در کالبد برخی از شرکت‌کنندگان و تکلم به زبان‌های منقسم از سوی آنان می‌انجامد، از ویژگی‌های مناسک پنتکاستالی به‌شمار

● بیش از سه دهه است که پرستان‌های محافظه‌کار از دید کمی و کیفی پایگاه خود را در جامعه آمریکا سخت گسترش داده‌اند، به گونه‌ای که هم‌اکنون نزدیک به یک چهارم جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند. در میان پرستان‌های محافظه‌کار، تشکل‌هایی که خود را پنتکاستال می‌دانند بسی بیش از دیگران رو به رشد بوده‌اند، و در تبلیغ مسیحیت پرستانی در بیرون از مرزهای آمریکا نیز بیشترین موفقیت را داشته‌اند. هم‌اکنون پنتکاستالیست‌ها در جهان مسیحیت بیش از همه کلیساهای غیر کاتولیک عضو دارند.

گراهام (Billy Graham) خود را اونجلیست، و پترابرتسون (Pat Robertson) و جیمی سوگرت (Jim-Swaggret) خود را پنتکاستالیست می‌دانند. اما در تحلیل‌های جامعه‌شناختی گاه به همه آنها با توجه به برخی ویژگی‌های مشترک جامعه‌شناختی شان «بنیادگر» گفته می‌شود، یا در رسانه‌ها و در گفتگوهای عادی واژه اونجلیست به همه آنها اطلاق می‌شود. اصطلاحاتی چون «راست مسیحی»، «راست جدید مسیحی» و «مسیحیان دوباره زاده شده» (born - again Christians) نیز برای همه این گروه‌ها به کار می‌رود.

پنتکاستالیست‌ها به گونه مشخص نام خود را از روز پنتکاست یا «عید پنجاهه» برداشته‌اند. در روایت مسیحی، هفت هفته پس از مرگ و زنده شدن حضرت عیسی (ع) روح القدس بر حواریون پدیدار می‌شود. حواریون توانایی سخن گفتن به زبان‌های بیگانه و غریب پیدا می‌کنند و در همانجا روح القدس وعده ملکوت خداوندی به آنان می‌دهد. امروزه پنتکاستالیست‌ها برپایه بنیادی‌ترین باورشان یعنی انتظار تجلی روح در مراسم عبادی و غسل تعمید در روح القدس که ویژگی آن زبان چندگانه (glossolalia or speaking in tongues) است شناخته می‌شوند؛ و این تعریفی است که خود بنیانگذار پنتکالیسم، یعنی ویلیام جوزف سیمور (۱۸۷۰-۱۹۲۲) به‌دست داده است (Hollenweger 2004).

در بعد اعتقادی، پنتکاستالیست‌ها مشترکات بسیار با بنیادگرایان و دیگر پرستان‌های محافظه‌کار دارند که از همه مهمتر باورهای پیشاهزاره‌گرایی و مخالفت با کلیساهای لیبرالیزه شده جریان اصلی است. اما آن‌چه آنها را بویژه از بنیادگرایان جدا می‌کند برداشت آنها از مسیر تاریخ به مثابه فرایندی پویا و در حال انکشاف است. بنیادگرایان بر آنند که طرح الهی برای حرکت تاریخ و فرجام آن از پیش مقدر شده و آفرینش تنها آغاز راه بوده و دوران گذار برای رسیدن به آخرت هم از پیش تعیین و در متون مقدس بیان شده است. اما پنتکاستالیست‌ها به دخالت‌های گاه‌به‌گاه روح القدس باور دارند. روح القدس هر بار که ظهور می‌کند رهنمودهای لازم را برای تعیین حرکت بعدی به ارمغان می‌آورد. بنیادگرایان نشانه‌های معجزه‌آسا (بویژه پیشگویی‌های پیامبرگونه و زبان چندگانه) را پس از نگارش و گردآوری انجیل پایان یافته می‌دانند. اقتدار مذهبی به باور آنان در نص صریح متون مقدس بیان

به گونه‌ای که می‌توان از پنتکاستالیزه شدن شماری از کلیساهای قدیمی سخنی گفت. در واقع، برخی دین‌پژوهان شباهت‌هایی میان آنها و کاتولیسیسم عامیانه یافته‌اند: برای نمونه، باور به پاک شدن گناهان که در کاتولیسیسم پس از اقرار به گناهان در حضور کشیش صورت می‌گیرد و در پنتکاستالیسم هنگامی که روح در وجود فرد عبادت‌کننده حلول می‌کند و باصطلاح خودشان «غسل تعمید در روح» داده می‌شود (Hol-lenweger, 2004). در پنتکاستالیسم تأکید بر آموزه‌ها (الهیات) نیست، بلکه بر تجربه مؤمنان است. در میان آموزه‌های پنتکاستالیستی اصلی‌ترین سفارش این است که وجود خود را یکسره به عیسی مسیح بسپارند و با تغییر رفتار و کردار فردی خود از لطف خداوندی چه در این جهان و چه در آن جهان بهره‌مند شوند. برپایه این «الهیات بهروزی» (theology of prosperity) یا «الهیات دارایی و تندرستی» (theology of wealth and health) همه مسیحیانی که به انجیل ایمان دارند حق بهره‌مندی از دارایی و تندرستی دارند و می‌توانند آن را با ایمان نیایش و آیین‌های مذهبی در کنار گزینش روش‌های درست زیستن به دست آورند.

پنتکاستالیست‌های آمریکا در حوزه اجتماعی بسیار محافظه‌کارند و با دیگر مسیحیان محافظه‌کار در یک رده قرار می‌گیرند. آنان مخالف همجنس‌گرایی، فمینیسم، معنویت عصر جدید، کیش‌های غیرمسیحی بیشتر رسیده از آسیا و بر سر هم لیبرالیسم اجتماعی هستند. البته در زمینه اقتصادی دیدگاهی لیبرالی دارند و از آزادی فعالیت اقتصادی افراد و به دست آوردن ثروت پشتیبانی می‌کنند. آنان با برخی جنبش‌های اجتماعی تازه مانند محیط زیست‌گرایی و جنبش صلح، برپایه دیدگاه‌های ویژه خود مخالفت می‌ورزند (برای نمونه، محیط زیست‌گرایان را متهم می‌کنند که پرستش زمین را جان‌نشین پرستش آفریدگار کرده‌اند یا جنبش صلح را فرساینده توانایی دفاعی آمریکا در برابر دشمنان آمریکا و مسیحیت می‌دانند). باورهای دینی آنان در همان حال مغایر با سلسله‌مراتب دینی است. مؤمنان پنتکاستال اعتقاد به برقراری رابطه شخصی با خداوند دارند که با حضور روح القدس صورت می‌گیرد. آنان زنان را از دید معنوی با مردان برابر می‌دانند (گرچه پنتکاستالیسم در سیمای امروزی‌اش، رهبری مرد در خانواده را که در میان همه

● پنتکاستالیسم در آفریقا هم اکنون اصلی‌ترین رقیب اسلام برای جذب پیروان تازه شمرده می‌شود. در آمریکا پنتکاستالیسم نخست در میان سفیدپوستان تهیدست، سیاهپوستان و مهاجران (گروه‌های ضعیف‌تر و پیرامونی‌تر) گسترش یافت، اما اکنون طبقات میانی رانیز در بر می‌گیرد. در اروپا هم کم و بیش همین روند سپری شده است. پنتکاستالیسم در کشورهای جهان سوم در میان لایه‌های کم درآمدتر زمینه بهتری برای تبلیغ یافته است؛ در آسیا سخت با سیاست‌های قومی درهم آمیخته و بیشتر مورد توجه برخی اقلیت‌های قومی است، اما در آمریکای لاتین در محیط کمابیش یکدست کاتولیکی فعالیت دارد و پیوند مشخصی با سیاست‌های قومی نیافته است.

می‌آید.

گرویدن به کیش پنتکاستالی، در گروه‌های تولد دوباره است که شخص بی‌میانجی‌گری دیگران یا آیینی ویژه می‌یابد و خود را به مسیح می‌سپارد و مسیح را دوباره در خود زنده می‌کند. این استجابات از ارکان پنتکاستالیسم است و مبتنی بر این کلام الهی که «مرا خواهید خواست، و چون مرا از ژرفای دل جست‌وجو کنید، خواهید یافت» (ارمیا ۳: ۲۹) (مصطفوی کاشانی، ۱۳۷۴: ۱۲۵). هنگامی این گرویدن کامل می‌شود که فرد بالغ در روح القدس غسل تعمید داده شود.

آیین‌های مذهبی پنتکاستالیست‌ها گرچه در میان دیگر مسیحیان بسیار بحث‌انگیز بوده و در بسیاری موارد ناپسند شمرده شده، اما جذابیت‌هایش برای شیفتگان پیوند با ربوبیت به اندازه‌ای بوده که در برخی کلیساهای دیگر (از جمله در کلیساهای کاتولیک) نیز مرسوم شده است.

نداشته‌اند. پنتکاستالیسم در آفریقا هم اکنون اصلی‌ترین رقیب اسلام برای جذب پیروان تازه شمرده می‌شود. در آمریکا پنتکاستالیسم نخست در میان سفیدپوستان تهیدست، سیاهپوستان و مهاجران (گروه‌های ضعیف‌تر و پیرامونی‌تر) گسترش یافت، اما اکنون طبقات میانی را نیز در برمی‌گیرد. در اروپا هم کم و بیش همین روند سیری شده است. پنتکاستالیسم در کشورهای جهان سوم در میان لایه‌های کم درآمدتر زمینه‌بتری برای تبلیغ یافته است؛ در آسیا سخت با سیاست‌های قومی درهم آمیخته و بیشتر مورد توجه برخی اقلیت‌های قومی است، اما در آمریکای لاتین در محیط کمابیش یکدست کاتولیکی فعالیت دارد و پیوند مشخصی با سیاست‌های قومی نیافته است (Freston, 2004).

در آمریکای لاتین پنتکاستالیسم بیشتر در میان گروه‌های کم درآمد و کسانی که تحصیلات کمتر دارند رواج دارد. اما در آفریقا الگوی کسانی که آماده پذیرش آن هستند متفاوت است و بیشتر دانش‌آموختگان و جوانانی را در برمی‌گیرد که نگران آینده خودند و میان رؤیاهایشان برای برخورداری از زندگی بهتر و روشن‌تر، و امکاناتی که در برابرشان است، شکافی بزرگ می‌بینند. در این بخش

● برخی از تحلیلگران چپ، بویژه در آمریکای لاتین، گسترش روزافزون پنتکاستالیسم و بر سرهم همه گونه‌های پروتستانتیسم‌های اونجلیستی در جهان سوم را در پیوند با هژمونی جهانی آمریکا می‌بینند. آنان استدلال می‌کنند که در شرایط پسااستعماری کنونی، مسیحیت اونجلیستی بخشی از منابعی است که آمریکا برای سلطه اقتصادی و فرهنگی بر جهان به کار می‌گیرد اما این نظریه به دلایلی چند پذیرفتنی نیست.

مسیحیان محافظه‌کار مرسوم است پذیرفته است) و بر این باورند که همه افراد فارغ از جنسیت، از راه روح القدس با پروردگار پیوند می‌یابند (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۱۶۴).

فرقه‌های گوناگون پنتکاستالیستی رفته‌رفته از آمریکای شمالی به گوشه و کنار جهان راه یافته‌اند. در بسیاری از کلیساهای تازه، شعائر و مراسم بومی جامعه میزبان وارد آیین‌های عبادی پنتکالیست‌ها شده است، هرچند آیین‌های اصلی آنها به گونه‌ای چشمگیر یکسان است و از سوئد تا تیمور شرقی این جنبه‌های مرکزی را در مناسک خود حفظ کرده‌اند.

مهمترین نشریات انگلیسی زبان نهضت جهانی پنتکاستال عبارت است از:

The Journal of Pentecostal Theology
The Journal of the Society for Pentecostal Studies (Pneuma)
The Journal of The European Pentecostal Theological Association
Asian Journal of Pentecostal Studies

پنتکاستالیست‌ها به چند شاخه تقسیم شده‌اند و حتی در فعالیت‌های تبشیری و تبلیغی خود این چندگانگی تشکیلاتی را نشان می‌دهند. مهم‌ترین پیروان کلیسای پنتکاستالی آمریکا جماعات ربانی (Assemblies of God) هستند و مهم‌ترین شکل رسمی پنتکاستالی، مجمع جهانی پنتکاستال (Pentecostal World Fellowship) نام دارد که (بیش از سال ۱۹۴۷ کنفرانس جهانی پنتکاستال (The World Pentecostal Conference) خوانده می‌شود). اما بیشترین رشد را گروه‌های فرقه‌گرای پنتکاستالیستی در سطح جهان داشته‌اند. تنها ۱۰ درصد پنتکاستالیست‌ها در سطح جهان عضو PWF هستند (Hollenweger, 2004). پنتکاستالیست‌ها و کاریزمایی‌ها بر سرهم نزدیک به ۱۲ درصد جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند (Woodbery & Smith, 1998).

پنتکاستالیست‌ها در چه بخشهایی از جهان و در میان چه گروه‌های جمعیتی موفقیت بیشتری داشته‌اند؟

پنتکاستالیسم پس از رسیدن به اروپا، رفته‌رفته از دهه ۱۹۸۰ به آسیای شرقی بویژه فیلیپین و کره جنوبی، آمریکای لاتین و سپس به آفریقا راه یافت. مبلغان پنتکاستال مانند دیگر تبشیری‌ها، در خاورمیانه و در جهان اسلام و در بخش‌های هندوی هند موفقیتی چندانی

از جهان، با آنکه گروه‌های اقلیت، مهاجر، کم‌درآمد و بر سرهم پیرامونی، بیشترین گرایش را به پنتکاستالیسم نشان داده‌اند، برخی محفل‌های پنتکاستالیستی تازه موسوم به نوپنتکاستالیست‌ها پدید آمده‌اند که بیشتر در مناطق شهری فعالند و بیشترین اعضایشان از طبقات میانی و بالا هستند.

زنان، بویژه زنان میان‌سالی که شوهرانشان آنها را ترک کرده‌اند، چه در آمریکای لاتین و چه در دیگر بخشها از جهان سوم، گرایشی چشمگیر به پیوستن به این مذهب نشان داده‌اند. زنان با پیوستن به کلیساهای پنتکاستالی از يك سو احساس وابستگی به يك اجتماع را به دست می‌آورند و از تنهایی می‌رهند و از سوی دیگر با به دست آوردن انواع مهارت‌های مدنی در وضع بهتری برای دستیابی به حقوق خود در جامعه قرار می‌گیرند. به گفته موتلی هالوم، کلیسای پنتکاستال برای زنان آمریکای لاتین محملی برای پیشبرد گونه‌ای «استراتژی بقای جمعی» بوده است (Motley Hallum, 2003). در آمریکای لاتین، زنان نقشی برجسته در جنبش پنتکاستالیستی بازی می‌کنند. برابری با مردان خواسته بی‌چون و چرای آنان نیست، اما هنگامی که وارد محفل دینی می‌شوند می‌آموزند تا از شوهران خود بخواهند روش‌های مآچو

مایه‌های گسترش روزافزون پنتکاستالیسم در جهان

برخی از تحلیلگران چپ، بویژه در آمریکای لاتین، گسترش روزافزون پنتکاستالیسم و بر سرهم همه گونه‌های پروتستانتیسم‌های اونجلیستی در جهان سوم را در پیوند با هژمونی جهانی آمریکا می‌بینند. آنان استدلال می‌کنند که در شرایط پسا استعماری کنونی، مسیحیت اونجلیستی بخشی از منابعی است که آمریکا برای سلطه اقتصادی و فرهنگی بر جهان به کار می‌گیرد (برای نمونه نک (Brouwer, 1995). اما این نظریه به دلایلی چند پذیرفتنی نیست:

نخست، برای اینکه عقیده یا مرامی در جایی گسترش یابد، باید پذیرش بومی نیز تا اندازه‌ای در کار باشد. دوم، پیامی که از جایی فرستاده می‌شود، بی‌کم‌وکاست از سوی مخاطبان به همان گونه که قصد شده فهمیده نمی‌شود. از این رو بسیاری از کلیساهای پنتکاستالیستی جهان سومی در اندازه‌ای «بومی» شده‌اند که هیچ نزدیکی مسلکی یا ایدئولوژیک با ایالات متحده آمریکا احساس نمی‌کنند. نمونه برجسته آن را در آفریقای جنوبی و در دفاعی که اکثریت سیاهپوستان عضو کلیساهای پرتستانی اونجلیستی و پنتکاستالی از نلسون ماندلا و کنگره ملی آفریقا کردند می‌توان دید. سوم، بستگی کلیساهای پنتکاستالی به فرقه‌های گوناگون در گوشه و کنار جهان نظارت بر آنها از سوی مقامات یا سرویس‌های جاسوسی آمریکایی را بسیار دشوار کرده است. با این همه، ریشه‌دار بودن پنتکاستالیسم در ایالات متحده سبب برخی حمایت‌های نهادی می‌شود: برای نمونه حمایت‌های سیاسی دولت آمریکا از آزادی مذهبی و آزادی تبلیغ مذهبی در کشورهای دیگر را در این راستا می‌توان دید. گونه دیگری از پشتیبانی که باز به آمریکا مربوط می‌شود پشتیبانی مالی اونجلیست‌های آمریکایی (و در مواردی اروپایی) از مبلغان و همکیشان خود در جهان سوم است. بخش مهمی از موفقیت شاخه‌های گوناگون پرتستانتیسم محافظه کار مرهون توانایی مالی تشکل‌های تبلیغ‌گر در

● برنامه‌های تبلیغی پنتکاستالیست‌هایی که در چارچوب برنامه‌های تلویزیونی پر دامنه پخش می‌شود از دید سیاسی، سخت دست‌راستی و پشتیبان کاربر دزوراز سوی آمریکا در جهان در برابر دشمنان آمریکا و مسیحیت است. در موعودگرایی ایشان که در قالب پیشاهزاره‌گرایی مطرح است، پیشگویی‌های انجیلی درباره فرارسیدن نبرد نهایی میان خیر و شر (آرماگدان) اهمیت بسیار دارد. آنان آشکارا از کاربر دزور در برابر دشمنان دفاع می‌کنند.

جهان است.

بهره‌گیری گسترده از رسانه‌های جمعی، بویژه تلویزیون، عامل دیگری در موفقیت همه گروه‌های پرستانی تبشیری و از جمله پنتکاستالیسم دانسته شده است. در این زمینه پنتکاستالیست‌ها بیش از دیگران در «تله و نجلیس» (انجیلی‌گری تلویزیون) پیشینه و مهارت دارند. موفق‌ترین و پرطرفدارترین تله و نجلست‌ها در آمریکا (وبیرون از آن) پنتکاستالیست‌هایی چون جیم و تمی بیکر، جیمی سوگرت، پت رابرتسون، اورال رابرتز و بنی هین بوده‌اند که همگی آمریکایی‌اند. بر سر هم، پنتکاستالیست‌ها معتقدند که هر روش تبلیغی که بر ذهن و دل مردمان اثر گذارد خوب و ستودنی است.

اما گذشته از عوامل یادشده که به ظاهر در دیگر گروه‌های پرستانی نیز مشترک است، آیا می‌توان ویژگی‌هایی در پنتکاستالیسم یافت که بتوان گفت در افزایش شمار پیروانش (که بسی چشمگیرتر از دیگر گروه‌های اونجلیست و مانند آنها بوده) اثر گذار بوده است؟ پنتکاستالیست‌ها بسیاری از روش‌های تبلیغی میسیونرهای قدیمی را در جهان سوم دگرگون کرده‌اند. آنان مخالف در نظر گرفتن مردمان بومی همچون کودکان غیرمسئول هستند و از نگرش‌ها و رفتارهایی که رنگ و بوی نژادگرایی داشته باشد همواره پرهیز کرده‌اند (Hollenweger, 2004). برابری گسری پنتکاستالیست‌ها که بویژه در زمینه تمایزهای جنسیتی دیده می‌شود و نیز جهانی اندیشیدن آنان عوامل مؤثری در پیشبرد آرمان‌های تبلیغی‌شان بوده است. پژوهشگری که روش‌های تبلیغی پنتکاستالیست‌ها را در شمال خاوری آمریکا بررسی کرده است می‌نویسد در میان آنان مکانیسم‌های گوناگونی برای تقویت معنا و تعلق ابداع شده است. گذشته از فراهم کردن گونه‌ای معنا برای زندگی، که نیاز همه گروندگان به ادیان است، جنبش پنتکاستالیستی حس تعلق را در اعضا افزایش می‌دهد. در حقیقت، تعلق به گونه‌ای که در تعامل میان اعضا دیده می‌شود در تولید و نگهداشت پایبندی دینی عاملی بسیار بنیادین است (Mc Gaw, 1980). آنها همین روش را در جهان سوم و همخوان با ویژگی‌های محیط به کار می‌برند. در آمریکای لاتین، با توجه به دگرگونیهای سریع اقتصادی ناشی از مدرنیزه شدن و جهانی شدن، روستاییان محروم و تهیدست به شهرهای بزرگ هجوم

● با توجه به نقش برجسته مبلغان و وعاظ کاریزمایی در میان پنتکاستالیست‌ها، امکان بهره‌برداری نادرست از مؤمنان برای پیشبرد مقاصد سیاسی بسیار است. چنان که در ایالات متحده آمریکا دیده‌ایم، تله و نجلیست‌های حرفه‌ای (انجیلی‌های تلویزیونی) پیام‌های سیاسی گوناگون را با مهارت در پوشش باورهای دینی عرضه می‌کنند و پیروان خود را به رفتارهای سیاسی مورد نظر سوق می‌دهند.

می‌آورند. آنان در جریان این کوچیدن، بسیاری از پیوندها و علائق زندگی روستایی سابق و شبکه‌های حمایتی سنتی را از دست می‌دهند. در چنین شرایطی، انجیلی‌ها برای روستاییان مهاجر به شهرها که برکنده از محیط روستایی خود به مثابه گروهی بی‌ریشه و بی‌پیوند زندگی می‌کنند، جاذبه‌های بسیار فراهم می‌آورند. پنتکاستالیست‌ها با فراخواندن این گونه کسان و فراهم آوردن يك اجتماع مبتنی بر حمایت‌های متقابل برای آنان جایگزین‌هایی برای اجتماع روستایی در اختیارشان می‌گذارند (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۱۳۱).

شاید یکی از مهمترین عواملی که پنتکاستالیسم را بویژه برای جویندگان معنا جذاب می‌کند تأکید پیروان این کیش بر تجربه دینی و ارتباط مستقیم با الوهیت و شور و جذبه ناشی از مراسم نیایش جمعی است. پنتکاستالیست‌ها با آموزه‌های به انحراف کشانده شده و لیبرالیزه شده کلیساهای متعارف پرستانی مخالفند، اما مخالفتشان با بی‌روح بودن آیین‌ها و مراسم آن کلیساهای حتی پررنگ‌تر است. آنان همواره بر این باور بوده‌اند که آنچه مردمان را جذب می‌کند نه آموزه‌های تازه برای ذهنشان بلکه تجربه‌های تازه برای دلشان است (Hol-lenweger 2004).

دو استدلال دیگر درباره گسترش پرستاب کلیساهای

● پنتکاستالیسم بعنوان یکی از مذاهب مسیحی روبه گسترش، در برخی مناطق بویژه آسیای شرقی، آفریقا و آمریکای لاتین بیشترین موفقیت را داشته اما در خاور میانه و در میان مسلمانان با کمترین اقبال رو به رو بوده است. پنتکاستالیست ها در وهله نخست بیشترین موفقیت را در میان گروه های حاشیه ای و محرومتر داشته اند اما رفته رفته چه در آمریکای شمالی و اروپا و چه در دیگر مناطق جهان، گروه ها و طبقات میانی را نیز جذب کرده اند.

پنتکاستالیستی در فراسوی سرزمین اصلی پیدایش آن مطرح می شود. شماری از پژوهشگران بر این باورند که رمز موفقیت این جنبش دینی در توانایی آن در تجدید نسخه اصلی خود در همه مناطق است که به آن منتقل می شود. در برابر، گروهی دیگر از پژوهشگران توانایی آن در سازگاری با فرهنگ های میزبان و جذب و پذیرش عناصر بومی در مراسم دینی و حتی در باورها را عامل اصلی در پذیرش سریع آن از سوی فرهنگ های دیگر می دانند. از دید جوئل رابینز (۲۰۰۴) جهانی شدن پنتکاستالیسم به خود فرایند عمومی «جهانی شدن» می ماند؛ یعنی هم تا اندازه ای همگون سازی فرهنگی به همراه دارد و هم فرایندی از انطباق با عناصر بومی است. پنتکاستالیسم توانایی هایی دارد که به آن اجازه می دهد در هر دو جهت کار کند. شباهت بسیاری که میان آموزه های اصلی پنتکاستالیستی و جنبه های آیینی آن در همه کشورها وجود دارد بی گمان بیانگر آن است که پنتکاستالیست ها کیش خود را یک «دین جهانی» می دانند و حتی به اعضای خود چنین دیدی را القا می کنند؛ اما این باورهای مشترک و آیین ها را بیشتر با چاشنی باورها و مراسم بومی عرضه می کنند، و این همان فرایندی است که رانالد رابرتسون (۱۹۹۵) آن را مفهوم جهانی - بومی شدن (glocalization) توضیح می دهد.

تطبیق پذیری با فرهنگ های میزبان از سوی پنتکاستالیست ها بیشتر به گونه ای است که آنان تجلیات ادیان بومی را به سود خود مصادره و با باورهای اصلی خود هماهنگ می کنند. برای نمونه، تنوعی که در الهیات پنتکاستالیستی در هر کشور وجود دارد بیانگر تعاملی است که پیروان آن با ادیان موجود در فرهنگ میزبان دارند؛ چنان که در آمریکا بیانیة جماعات ربانی تأثیر نیرومند اونجلیسم آمریکایی را نشان می دهد. در لهستان و روسیه تأثیر الهیات ارتدکس و در برزیل تأثیر کلیسای کاتولیک آشکار است (Hollenweger, 2004). در غنا که بر پایه باورهای بومی، اشیاء و کالاهایی که انسان مصرف می کند می تواند طلسم شده و حامل شر برای مصرف کننده باشند، پنتکاستالیست ها برای از میان برداشتن این مشکل به جای تحریم این گونه کالاها (که بیشتر خارجی است) در مراسمی با خواندن دعا روی آنها، ارواح خبیثه احتمالی موجود در آنها را دفع یا خنثی و مصرف آنها را بی زیان می کنند! آموزه جنگ میان خیر و شر که در الهیات مسیحی بسیار مهم است به گونه جنگ میان خدا و اهریمن در هر دو زمینه روح و جسم برای مؤمنان توضیح داده می شود. آنان برای طلسم شکنی یا جن گیری در برابر تعویذ، شمع و عود و دیگر ابزارهای سنتی و مراسم «خرافی» بومی، «کلام» یا دعا را قرار می دهند. وعظ پنتکاستال ادعا می کنند که می توانند به دنیای نامرئی روح رخنه کنند و از راه جنگ معنوی با شیطان، درمان جسمی و بهبود شرایط مادی برای اعضا به ارمغان آورند. اعضا در جریان دعای جمعی، طلسم بدخواهان و بدچشمان را خنثی می کنند و خود را از نفوذ ارواح شیطانی مصون می سازند (Meyer, 1998).

پنتکاستالیسم در جهان سوم عاملی برای دگرگونی راه زندگی اعضا و بهبود مادی زندگی آنان بوده است. نتایج مادی و ملموس در زمینه بهبود زندگی اعضای کلیسا بهترین تبلیغ عملی برای جذب اعضای تازه بوده است. برای نمونه، در آمریکای لاتین پنتکاستالیست ها مردان را که تأمین کنندگان اصلی زندگی خانواده به شمار می آیند تشویق می کنند که راهی روشن و سالم در زندگی در پیش گیرند؛ راهی بر پایه انضباط فردی، پرهیز از قمار و می خواری، همنشینی با دوستان سالم و پرداختن به زندگی خانوادگی. ارائه یک شیوه زندگی زاهدانه (ascet-ic) در کنار وجدان کاری و سخت کوشی، پنتکالیسم را

پنتکاستالیست‌هایی که در چارچوب برنامه‌های تلویزیونی پر دامنه پخش می‌شود (برای نمونه، برنامه کلوپ ۷۰۰ پت رابرتسون) از دید سیاسی، سخت دست راستی و پشتیبان کاربرد زور از سوی آمریکا در جهان در برابر دشمنان آمریکا و مسیحیت است. در موعودگرایی ایشان که در قالب پیشاهزاره‌گرایی مطرح است، پیشگویی‌های انجیلی درباره فرارسیدن نبرد نهایی میان خیر و شر (آرماگدان) اهمیت بسیار دارد. آنان آشکارا از کاربرد زور در برابر دشمنان دفاع می‌کنند.

تأثیر این دیدگاه سیاسی بر پنتکاستالیست‌های جهان‌سومی چندان روشن نیست. در آمریکای لاتین رهبران پرستان از رژیم پینوشه (۸۹-۱۹۷۳) و دیکتاتوری نظامی برزیل (۱۹۷۴) پشتیبانی کردند؛ اما بر سر هم به پیروان خود سفارش می‌کنند که درگیر مسائل سیاسی پیچیده‌ای که نمی‌توانند آن را تغییر دهند، نشوند. از این

در جهان سوم از دید فرهنگی به یک نیروی انقلابی مبدل ساخته است. به گفته برخی تحلیلگران، الگوی اخلاق پرستانی وبر در میان پنتکاستالیست‌ها بسیار آشکار است. ایمان و خرد پنتکاستالیستی گونه‌ای شیوه زندگی پیوریتنی را رقم زده که برآیند آن بهبود وضع زندگی پیروان بوده است. پنتکاستالیسم تنها به جبران مذهبی تهیدستان بسنده نکرده، بلکه اخلاقی را ترویج می‌کند که مخالف فداکاری، فروتنی و تهیدستی و مشوق یک شیوه زندگی منضبط برای چیرگی بر شرایط نامناسب و کامیاب شدن در جهان است. در واقع، جنبش پنتکاستالیستی خود را با پیچیدگی‌های جهانی شدن در دوران ما به خوبی سازگار کرده و آرمانهای دینی و راههای بهره‌گیری فردی از اقتصاد آزاد را در یک بسته‌بندی آماده برای نیازهای معنوی و اقتصادی فرد در هم تنیده است. البته در این تلفیق خلاق، با توجه به نیازهای ویژه گروه‌های اجتماعی - اقتصادی گوناگونی که برای تبلیغ و تبدیل شدن به اعضای متعهد هدف گرفته شده‌اند، راهکارهای متناسب با آنها در هر مورد پیش پایشان گذاشته می‌شود. آن دسته از پنتکاستالیست‌ها که در میان طبقه کارگر یا تهیدستان فعال هستند، آشکارا جهت‌گیری مادی دارند، اما آنان که در میان طبقات میانی کار می‌کنند می‌کوشند بیشتر پاسخگوی نیازهای روحی ایشان باشند. به هر رو، پنتکاستالیست‌ها هم توانسته‌اند پاسخگوی مصرف‌گرایی اقتصادی توده‌ها باشند و هم پاسخگوی مصرف‌گرایی معنوی آنها (Hunt, 2000).

تأثیر سیاسی پنتکاستالیست‌ها چیست؟

پنتکاستالیست‌های آمریکای شمالی و اروپا در اصل از دید سیاسی محافظه‌کارند اما دیگر پنتکاستالیست‌ها در جهان همگی چنین نیستند. در آفریقای جنوبی نیمی از جمعیت سیاهپوست در کلیساهای پنتکاستالی یا شبیه پنتکاستالی عضویت دارند، اما به نلسون ماندلا و حزب او کنگره ملی آفریقا رأی دادند. پنتکاستالیست‌ها در آغاز بیشتر پاسیفیست (صلح‌جو) بودند و کم و بیش از اقشار فرودست جامعه در برابر ثروتمندان دفاع می‌کردند، اما این گونه‌گرایش‌ها یکسره تغییر کرده است (Hollenweger, 2004). برنامه‌های تبلیغی

● آثار سیاسی پنتکاستالیسم در جهان را نمی‌توان با الگو برداری از نقش دست راستی و بسیار محافظه کارانه‌ای که این مذهب امروزه در ایالات متحده آمریکا یا کانادا دارد توضیح داد. بر سر هم به پیروان این مذهب سفارش می‌شود که به جای درگیر شدن در سیاست و سیاست‌های اجتماعی به رستگاری فردی خود بیندیشند و وقت خود را در سیاست تلف نکنند. چنین سفارش در زمینه غیر سیاسی بودن سبب شده است که پیروان این مسلک نظام‌های اقتدارگرا را در مجموع تحمل کنند. اما رژیم‌های تمامیت خواهی که تساهل مذهبی نشان نمی‌دهند یا آزادی فعالیت و تبلیغ مذهب را محدود می‌کنند با مخالفت پنتکاستالیست‌ها روبه‌رو شده‌اند.

رو، پنتکاستالیست‌ها یکسره با نگرش جامعه‌گرای طرفداران الهیات‌رهای بخشی که بهبود زندگی فردی را در گرو فعالیت جمعی و مبارزه سیاسی می‌دانند مخالفند و راه درست زندگی را تسلیم شدن به فیض الهی به جای برهم ریختن نظم اجتماعی می‌دانند (مصطفوی ۱۳۷۴: ۱۳۳).

روشن است پنتکاستالیست‌های جهان سومی که در گروه‌ها و فرقه‌های گوناگون پخش شده‌اند، رویکردهای سیاسی یکسانی نیز به مسائل جوامع خود ندارند و ممکن است بر سر موضوعاتی حتی در برابر هم قرار گیرند؛ آنان بر سر هم با رژیم‌های توتالیتر و ناسیونالیسم‌های مذهبی غیرمسیحی مخالفند زیرا مانع فعالیت آزاد مذهبی آنان می‌شوند، اما از سوی دیگر در برابر رژیم‌های اقتدارگرایی که مزاحمتی برای فعالیت‌های دینی و تبلیغی آنان فراهم نمی‌کنند روشی آمیخته با سکوت در پیش می‌گیرند. به گفته فرستون (۲۰۰۴)، انجیلی‌ها چنان در گروه‌های گوناگون پراکنده شده‌اند که بعید است بتوانند سیمای یک جنبش جهانی خواهان دگرگونی‌های بزرگ سیاسی به خود بگیرند. هیچ‌یک از گروه‌های پرستانی جهان سومی پروژه‌هایی سیاسی مشابه اسلام‌گرایان ندارد؛ آنها در هیچ جا خواهان برپایی یک دولت مسیحی نشده‌اند.

آموزش‌های پنتکاستالی گرچه بیشتر در خدمت سازش‌کاری و سکوت‌گرایی در برابر رژیم‌های غیردموکراتیک قرار می‌گیرد، اما در مواردی می‌تواند برخی پیامدهای ناخواسته دموکراتیک نیز داشته باشد؛ از جمله چنان که بسیاری از پژوهشگران درباره فعالیتان مذهبی نشان داده‌اند، شرکت در فعالیت‌های مذهبی در بیشتر موارد به افزایش مهارت‌های مدنی افراد می‌انجامد و کسانی که چنین مهارت‌هایی یافته‌اند گرایش بیشتری به مشارکت سیاسی در سطوح گوناگون نشان می‌دهند (برای نمونه نک (Jones - Correa and Leal, 2001)). همین نکته در مورد اعضای کلیساهای پنتکاستالیستی در کشورهای جهان سومی نیز می‌تواند صادق باشد، به این معنی که کسانی که از میان گروه‌های محروم و بی‌سواد جامعه جذب کلیسا شده‌اند پس از به دست آوردن پاره‌ای مهارت‌های مدنی، در آمادگی بیشتری برای مشارکت سیاسی خواهند داشت. اصل بحث و گفت‌وگو میان افراد به‌منظور اقناع آنها به پذیرش آیینی دینی که بر گونه‌ای از سوی دیگر، پنتکاستالیست‌های جهان سومی به کار و تلاش در اقتصادهای رو به توسعه کشورهای خود که در سایه فرایند جهانی شدن، ساختاری متفاوت با ساختار اقتصاد سنتی یافته‌اند تشویق می‌شوند و بدین‌سان در عمل به اقتصاد سرمایه‌داری جذب می‌شوند و به راه درهم‌شکستن سیاست‌های طبقاتی انقلابی می‌افتند (Hunt, 2000). با توجه به نقش برجسته مبلغان و وعاظ کاریزمایی در میان پنتکاستالیست‌ها، امکان بهره‌برداری نادرست از مؤمنان برای پیشبرد مقاصد سیاسی بسیار است. چنان که در ایالات متحده آمریکا دیده‌ایم، تله ونجلیست‌های حرفه‌ای (انجیلی‌های تلویزیونی) پیام‌های سیاسی گوناگون را با مهارت در پوشش باورهای دینی عرضه می‌کنند و پیروان خود را به رفتارهای سیاسی مورد نظر سوق می‌دهند.

نتیجه‌گیری

پنتکاستالیسم بعنوان یکی از مذاهب مسیحی رو به گسترش، در برخی مناطق بویژه آسیای شرقی، آفریقا و آمریکای لاتین بیشترین موفقیت را داشته اما در خاورمیانه و در میان مسلمانان با کمترین اقبال روبه‌رو بوده است. پنتکاستالیست‌ها در وهله نخست بیشترین موفقیت را در میان گروه‌های حاشیه‌ای و محرومتر داشته‌اند اما رفته‌رفته چه در آمریکای شمالی و اروپا و چه در دیگر مناطق جهان، گروه‌ها و طبقات میانی را نیز جذب کرده‌اند. رشد شتابان پنتکاستالیسم را نمی‌توان تنها مایه گرفته از برخی حمایت‌های مالی، تشکیلاتی یا

پنتکاستالیست‌ها یکسره با نگرش جامعه‌گرای طرفداران الهیات‌رهای بخشی که بهبود زندگی فردی را در گرو فعالیت جمعی و مبارزه سیاسی می‌دانند مخالفند و راه درست زندگی را تسلیم شدن به فیض الهی به جای برهم ریختن نظم اجتماعی می‌دانند (مصطفوی ۱۳۷۴: ۱۳۳).

روشن است پنتکاستالیست‌های جهان سومی که در گروه‌ها و فرقه‌های گوناگون پخش شده‌اند، رویکردهای سیاسی یکسانی نیز به مسائل جوامع خود ندارند و ممکن است بر سر موضوعاتی حتی در برابر هم قرار گیرند؛ آنان بر سر هم با رژیم‌های توتالیتر و ناسیونالیسم‌های مذهبی غیرمسیحی مخالفند زیرا مانع فعالیت آزاد مذهبی آنان می‌شوند، اما از سوی دیگر در برابر رژیم‌های اقتدارگرایی که مزاحمتی برای فعالیت‌های دینی و تبلیغی آنان فراهم نمی‌کنند روشی آمیخته با سکوت در پیش می‌گیرند. به گفته فرستون (۲۰۰۴)، انجیلی‌ها چنان در گروه‌های گوناگون پراکنده شده‌اند که بعید است بتوانند سیمای یک جنبش جهانی خواهان دگرگونی‌های بزرگ سیاسی به خود بگیرند. هیچ‌یک از گروه‌های پرستانی جهان سومی پروژه‌هایی سیاسی مشابه اسلام‌گرایان ندارد؛ آنها در هیچ جا خواهان برپایی یک دولت مسیحی نشده‌اند.

آموزش‌های پنتکاستالی گرچه بیشتر در خدمت سازش‌کاری و سکوت‌گرایی در برابر رژیم‌های غیردموکراتیک قرار می‌گیرد، اما در مواردی می‌تواند برخی پیامدهای ناخواسته دموکراتیک نیز داشته باشد؛ از جمله چنان که بسیاری از پژوهشگران درباره فعالیتان مذهبی نشان داده‌اند، شرکت در فعالیت‌های مذهبی در بیشتر موارد به افزایش مهارت‌های مدنی افراد می‌انجامد و کسانی که چنین مهارت‌هایی یافته‌اند گرایش بیشتری به مشارکت سیاسی در سطوح گوناگون نشان می‌دهند (برای نمونه نک (Jones - Correa and Leal, 2001)). همین نکته در مورد اعضای کلیساهای پنتکاستالیستی در کشورهای جهان سومی نیز می‌تواند صادق باشد، به این معنی که کسانی که از میان گروه‌های محروم و بی‌سواد جامعه جذب کلیسا شده‌اند پس از به دست آوردن پاره‌ای مهارت‌های مدنی، در آمادگی بیشتری برای مشارکت سیاسی خواهند داشت. اصل بحث و گفت‌وگو میان افراد به‌منظور اقناع آنها به پذیرش آیینی دینی که بر گونه‌ای

- Brouwer, Steve, 1996. **Exporting the American Gospel**. London: Routledge.
- Freston, Paul. 2004. "Evangelical Protestantism and Democratization in Contemporary Latin America and Asia" **Democratization**. 11,4 (August); 21-41.
- Hollenweger, Walter J. 2004. "An Introduction to Pentecostalism". **Journal of Belief and Values**. 25, 2 (August): 120-137.
- Hunt, Stephen. 2000. "'Winning Ways': Globalisation and the Impact of Health and Wealth Gospel". **Journal of Contemporary Religion**. 15,3 (October): 331-347.
- Jones-Correa, Michael A and David L Leal. 2001. "Political Participation: Does Religion Matter?" **Political Research Quarterly**, 54, 4: 751-770
- Marty, Martin and R. Scott Appleby. 1992. **The Glory and the Power: The Fundamentalist Challenge to the Modern World**. Boston: Beacon Press.
- Mc Gaw, Douglas B. 1980. "Meaning and Belonging in a Charismatic Congregation: An Investigation into Sources of Neo-Pentecostal Success". **Review of Religious Research**. 21, 3 (Summer): 284-302.
- Meyer, Birgit. 1998. "Commodities and the Power of Prayer: Pentecostalist Attitudes Towards Consumption in Contemporary Ghana". **Development and Change**. 29,4 (October).
- Motley Hallum, Anne. 2003. "Taking Stock and Building Bridges: Feminism, Women's Movements, and Pentecostalism in Latin America". **Latin American Research Review**. 38,1: 169-189.
- Robbins, Joel. 2004. "The Globalization of Pentecostal and Charismatic Christianity". **Annual Review of Anthropology**. 33, 1: 117-143.
- Robertson, Roland. 1995. "Glocalization: Time-Space and homogeneity - Heterogeneity", in Mike Featherstone et al. (eds.), **Global Modernities**. London: Sage.
- Woodbury, Robert and Christian S. Smith. 1998. "Fundamentalism et al: Conservative Protestants in America". **Annual Review of Sociology**. 24: 25-56.

سیاسی ایالات متحده آمریکا دانست و بهره‌گیری از ابزارهای تبلیغی مؤثر چون تلویزیون را نیز، دست کم بیرون از آمریکا و کانادا، نمی‌توان مهمترین عامل در این زمینه دانست. عوامل دیگری که در گسترش پنتکاستالیسم مؤثر بوده عبارت است از: همسازی با روندهای جهانی شدن، بالا کشیدن اعضا از دید مادی بر پایه یک شیوه زندگی سخت‌کوشانه و بری از فعالیت‌های هدردهنده منابع مالی خانواده مانند قماربازی و میخوارگی، و همسازی خلاق با شرایط بومی و محلی در عین حفظ آموزه‌ها و آیین‌های کلیدی.

آثار سیاسی پنتکاستالیسم در جهان را نمی‌توان با الگوبرداری از نقش دست راستی و بسیار محافظه‌کارانه‌ای که این مذهب امروزه در ایالات متحده آمریکا یا کانادا دارد توضیح داد. بر سر هم به پیروان این مذهب سفارش می‌شود که به جای درگیر شدن در سیاست و سیاست‌های اجتماعی به رستگاری فردی خود بیندیشند و وقت خود را در سیاست تلف نکنند. چنین سفارش در زمینه غیرسیاسی بودن سبب شده است که پیروان این مسلک نظام‌های اقتدارگرا را در مجموع تحمل کنند. اما رژیم‌های تمامیت‌خواهی که تساهل مذهبی نشان نمی‌دهند یا آزادی فعالیت و تبلیغ مذهب را محدود می‌کنند با مخالفت پنتکاستالیست‌ها روبه‌رو شده‌اند. پنتکاستالیسم در برخی کشورهای جهان سومی آثاری دموکراتیک نیز برجای گذاشته است، از جمله فعال کردن شهروندان در حوزه عمومی به شیوه‌های گوناگون و خارج کردن آنان از انزوای اجتماعی.

یادداشت

۱. از حدود ۲ میلیارد مسیحی جهان، ۱/۸ میلیارد را کاتولیک‌ها، ۷۰۰-۶۱۰ میلیون را پروتستان‌ها و ۲۱۷ میلیون را ارتدکس‌ها تشکیل می‌دهند (به نقل از Le Point, 21/7/2005).

منابع:

- مصطفوی کاشانی، لیلی. ۱۳۷۴. پایان صد سال تنهایی: سیری در اعتقادات مذهبی مردم آمریکای لاتین. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات بین‌الملل.